

## برداشت های من از آیات یاد شده (این برداشت ها جنبه کلی دارند)

### ایوب ۱۹

۲: «تا به کی جان مرا می رنجانیدی؟ و مرا به سخنان خود فرسوده می سازی؟»

(دوستان) ایوب (دوستان را در پراگمتر قرار دادم چون تنها اسماً دوستان او بودند)، فکر می کردند دلیل بلائی که بر سر ایوب آمده جزای گناهی است که مرتکب آن شده. ولی بطوری که در آغاز کتاب ایوب میخوانیم، خدا به شیطان اجازه داد در زندگی ایوب دخالت کند، ولی بدون آنکه به جان او صدمه وارد کند. ولی اگر ایوب با خدا بود چرا خدا چنین اجازه ای را به شیطان داد؟ منظور خدا این بود که از طریق آزمایش های زندگی ایوب را پاکسازی نماید و برای مقاصد خود به خدمت آورد. انسان برای منظور و مقصود خدا آفریده شد ولی شیطان او را در راه گناه مشغول بکار کرد. انسان هر چه زودتر به این واقعیت دست رسی پیدا کند بهتر است. کلام خدا در (یعقوب ۱: ۲) می گوید: "ای برادران من، هر گاه با آزمایشهای گوناگون روبرو می شوید، آن را کمال شادی بینگارید". چرا خدا می خواهد ما را وارد آزمایش های گوناگون کند و چگونه می توانیم در برابر مشکلات زندگی "کمال شادی" را داشته باشیم. آزمایش های زندگی ما برای شناخت اشکال های روحانی ما است، تا ما را به جانب شباحت به خدا (عیسی مسیح) سوق دهد. نگذارید دنیا با "سخنان خود" شما و دیگران را "فرسوده" سازد. بیدار شوید و حکمت خدا را از طریق کلامش بیاموزید و بکار گیرید و جامعه را هر شخص به نوبه خود از چنگال دشمن رها سازید. اکثریت بشر امروزه می گویند "تا به کی جان مرا می رنجانیدی؟". اما متهم نکنید، "زیرا خدا پسر را به جهان فرستاد تا جهانیان را محکوم کند، بلکه فرستاد تا به واسطه او نجات یابند" (یوحنا ۳: ۱۷).

### امثال ۱۰

۱۹: کثرت کلام از گناه خالی نمی باشد، اما آنکه لبهائش را ضبط نماید عاقل است.

کلامی که از دهان خارج می شود تنها از دو نوع است. یا سازنده است یا مخرب. از ایماندار به عیسی مسیح خواسته شده کلامش سازنده باشد. ولی او می تواند دستخوش وسوسه کثرت کلام نیز بگردد. معمولاً کثرت کلام زمانی ایجاد می شود که ایماندار گوش کسی را در اختیار خود گرفته و پای منبر می رود. در فکر نیاز شخص دیگر نیست، و یا اهمیتی به آن نداده. فکر می کند آنچه به زبان می آورد را شخص مقابل گوش کرده. ولی از کجا معلوم که فکر شخص مقابل در جای دیگری نبوده و تنها بنظر می رسد که گوش می دهد. در طول زمان کثرت بیان، ممکن است مسئله ای که داشته را بررسی کرده و حل نیز کرده باشد. بهتر است فرصت صحبت را به دیگران داد و از این طریق جویای برداشت آنها گردید. همیشه نظر شخص مقابل از آنچه به زبان آورده اید را بخواهید. از این طریق از برداشتی که دارد خبردار خواهید شد و دچار "کثرت کلام" نخواهید شد.

### امثال ۱۲

۱۵: راه احمق در نظر خودش راست است، اما هر که نصیحت را بشنود حکیم است.

ایماندارانی هستند که نظر خود را درست می خوانند و به نصایح خادمین و مشاورانی که تنها متکی بر کلام خدا و قدرت روح القدس هستند گوش نمی کنند. دلیل آن نیز خود خواهیشان است. ابتدا باید انکار کردن خود را بیاموزند تا بتوانند به نصایح خادمین خدا (که تنها بر طبق کلام خدا است) گوش دهند. خودخواهی شکل های گوناگونی را بخود می گیرد و به این خاطر است که کلام خدا مرگ آن را (روزانه صلیب خود را برداشتن) تجویز کرده است. اهمیت صلیب عیسی را بخاطر ایماندار بیآورید و شرط پیروی از او را برایش روشن نمایند. ولی توجه نیز داشته باشید که نهایتاً گوش شنوا را لازم است و اگر امروز نشد فردا را خدا فراهم خواهد نمود.

## امثال ۱۲

۱۶: غضب احمق فوراً آشکار می شود، اما هر که نصیحت را بشنود حکیم است.  
۱۸: هستند که مثل ضرب شمشیر حرفهای باطل می زنند، اما زبان حکیمان شفا می بخشد.

دنیا پر از غضب است. اما شخص مسیحی مال این دنیا نیست و مطابق با معیار دنیا نیز زندگی نمی کند. وقتی غضب را در کسی می بینید، او نیاز به شفای روح القدس دارد، و نه لعنت. او را آرام کنید و سپس جویای حال و دلیل غضب او بشوید. او را تا زمانی که شفا و درمان روحانی پیدا نکرده رها نکنید (خدا او را سر راه شما گذارده است). محبت خدا همان آب و نانی است که به کوچکترین (صدمه دیده ترین) می دهید. البته گوش شنوا را نیز لازم است تا میوه نیکو حاصل گردد. ولی آنکه حکمت لازم را به زبان می آورد مسئولیت خود را دارد و آنکه آنرا می شنود مسئولیت خود. حدود مسئولیت آنکه حکمت را به زبان می آورد "باز/ تفسیر" (لوقا ۲۴: ۳۲) کردن کلام است بگونه ای که مربوط به وضع موجود می باشد، و به طریقی که قابل فهم و درک شخص دیگر قرار بگیرد. آنچه شخص دیگر با آن می کند مربوط به خود اوست و در کنترل آن در دست شما نیست. شما کار نیکوی خود را بعمل آورید و اگر میوه آنرا دیدید شکر کنید، و اگر ندیدید رضایت داشته باشید که خدا شاهد بوده که کار خود را بخوبی انجام رسانده اید.

## امثال ۱۲

۲۴: دست شخص زرنگ سلطنت خواهد نمود، اما مرد کاهل بندگی خواهد کرد.  
۲۵: کدورت دل انسان، او را منحنی می سازد، اما سخن نیکو او را شادمان خواهد گردانید.

این آیه همراه آیه قبلی در رابطه با نگرانی است. تأثیری که نگرانی بر درون انسان می گذارد اهمیت زیادی دارد. انسان با نگرانی می تواند جسم خود را مریض کند. اما زبان شما امکان ایجاد شادی را دارد. آنچه تجسم میگردد خم شدن شخصی است از شدت روح نگران. فیلیپیان ۴ و متی ۶ نیز در این رابطه لازم به مطالعه می باشند. نگران کسی است که زندگیاش را به عیسی مسیح نداده و خود مسئولیت آنرا عهده گرفته است. ایمانی در کار نیست و خدا نیز از چنین وضعی خوشنود نمی باشد. نگذارید آنچه از خدا است پایمال دشمن او گردد. او را در راه ایمان یاری کنید و در صورت لازم همراهی نیز بکنید. در این کار روح القدس یار و مدد کار شما خواهد بود.

## امثال ۱۴

۲۹: کسی که دیر غضب باشد کثیر الفهم است. و کج خلق حماقت را به نصیب خود می برد.

دیر غضب کسی است که با مخالفت زیادی روبرو شده و آن را تحمل کرده. دلیل تحمل او نیز بر پایه نیتی است که دارد و اهمیت آن که بیش از وسوسه به گناه است. عیسی مسیح نیز دیر غضب بود. او در راه صلیب امکان غضب زیادی را داشت ولی اجازه آن را بخود راه نداد، چون منظوری که داشت از اهمیت بیشتری برخوردار بود. خشم و غضب قدرتی است برای پاره کردن و نابود ساختن. برای ما ایمانداران زمانی به درد می خورد که متوجه گناه خود می شویم و روح توبه را تشویق می کند. ولی وقتی در دیگران آن را مشاهده می کنید بدانید که مشکل بزرگی است که تنها با بشارت به عیسی مسیح و اجرای کلام خدا (رومیان ۱۲: ۱۴ تا ۲۱) حل می گردد (کشیش می تواند شما را یاری کند).

## امثال ۱۵

۱: جواب نرم خشم را بر می گردانند، اما سخن تلخ غیظ را به هیجان می آورد.

بازی پینگ پونگ را در نظر بگیرید. وقتی بازیکن مقابل، توپ را با شدت به جانب شما می کوبد، شما به دو طریق می توانید جواب دهید: یا به همان شدت توپ را به جانب او بکوبید، یا راکت را مقابل توپ نگاه دارید تا شدت ضربه، توپ را خود به خود به جانب دیگر برگرداند. اگر توپ را بکوبید، شخص مقابل را به عقب خواهید راند، ولی راه دوم او را بشما نزدیک خواهد نمود. این مثال نشانه عکس العملی است که در مقابل شرارت ایجاد می گردد. جواب نرم خشم را بر می گردانند و اشخاص را بهم نزدیک می کند، ولی خشم افراد را از هم دور می کند. بیاد داشته باشید که عیسی مسیح جمع می کند، ولی شیطان است که پراکنده میسازد. تنها راه آرام ساختن خشم اشخاص محبت به آنها است. پس از آنکه آرامش برقرار شد، می توان بدون دخالت احساسات، افکار را متمرکز دلیل و استدلال خدا نمود.

## امثال ۱۵

۵: احمق تأدیب پدر خود را خوار می شمارد، اما هر که تنبیه را نگاه دارد زیرک می باشد.

نفرت از تأدیب پدر و مادر (۵) نشانه خوبی نمی تواند باشد. یقیناً دلیل تنبیه انجام شده برای فرزند آشکار نبوده و نباید فرزند را مقصر دانست. طبق این آیه اصل موضوع خود تنبیه نیست بلکه "نگاه" داشتن تنبیه است. شخصی تنبیه را برای همیشه با خود نگاه می دارد که حکمت آن را فرا گرفته باشد. در نتیجه اصل مطلب، دلیلی است که تنبیه را لازم نموده و حکمتی است که بر آن استوار می باشد. استدلال را ابتدا برای خود روشن کنید و سپس ابعاد جرم و پاداش را بر آن استوار کنید و در نهایت همه را برای فرزندان روشن نمائید. نه آنکه بر مبنی خواست دلتان هروقت آرامش خود را از دست دادید تنبیه را بجای آورید. فرزندان آفرینش خدا هستند که به دست والدین سپرده شده اند. برای پرورش فرزندان به کلام و کشیش کلیسا رجوع کنید.

## امثال ۱۵

۲۳: برای انسان از جواب دهانش شادی حاصل می شود، و سخنی که در محالش گفته شود چه بسیار نیکو است.

۲۸: دل مرد عادل در جواب دادن تفکر می کند، اما دهان شریران، چیزهای بد را جاری می سازد.

آیات ۲۳ و ۲۸ صحبت از اهمیت سخن ایماندار می کنند. سخن نیکو سخنی است که تشنه دل و گشنه دلی را سیر می کند. متأسفانه ایمانداران بسیاری هستند که نیازمندی را تشنه و گشنه رها کرده و در ضعف خود گفته اند "برو که برایت دعا خواهیم کرد". جویای جنبه عملی کلام حیات نشده اند. "شادی" برای شخصی "حاصل" می شود که مسئله و مشکل او حل شده باشد. ما همه نیاز به خدا داریم، و خدا کلامش را برای همین خاطر به ایمانداران سپرده. کلام خدا شمشیر دو لبه ایست که پس از عمل بر درون دل خود، برای عمل بر درون دل دیگران نیز منظور شده. باید بتوان کلام را نسبت به موقعیتی که به آن مربوط می باشد "باز/ تفسیر" (لوقا ۲۴: ۳۲) کرد تا نیازمندی را با "حقیقت" روبرو کرده و دلش را شاد نمود. باید بتوان آیات مربوط به موضوع را پیدا کرد، آنها را در خصوص موضوع "باز/ تفسیر" نمود، و به کار گمارد (مجدداً آیه ۲۳ را بخوانید). هر یک از این مراحل آموزش خاص خود را دارد. بهترین راهی که من بدست آورده ام ابتدا خواندن آیه، دوم دعا برای افزایش حکمت نهفته در آن، سوم نوشتن برداشت های خود، و چهارم نوشتن طریق اجرای آن بوده است. توجه نیز داشته باشید که طریق اجرای کلام در خصوص مورد بخصوص باید مطابق با امکانات اجرای آن نیز باشد. برای اجرای کلام از امکانات موجود استفاده کنید. تنها به خواندن کلام اکتفا نکنید. اهمیتی که حکمت نهفته در کلام خدا برای جان انسان دارد حتی از خوردن و خوابیدن بیشتر است.

## امثال ۱۶

۲: همه راههای انسان در خودش پاک است، اما خداوند روحها را ثابت می سازد.

ممکن است آنچه در آیه ۲ بیان شده عادی به نظر برسد ولی حکمت زیادی در آن نهفته است. منظور این آیه نشان دادن خواست خدا است که همه راههای انسان (و خصوصاً ایماندار) تغییر کند و مطابق کلام او گردد. ممکن است ایماندار راه زیادی را در خدا پیموده باشد و تغییرات زیادی را در خدا بدست آورده باشد، ولی بر طبق این آیه هنوز راه برایش باز است که ادامه دهد. تنها خداوند است که همه چیز را ثابت می کند و نه فکر و خیالی که ایماندار از خود دارد. لازم است هر روز طالب نان روزانه خود بود و در صورت امکان صلیب خود را نیز حمل کرد. برکتی بیش از این در دنیا وجود ندارد.

۲۱: هر که دل حکیم دارد فهم خوانده می شود، و شیرینی لبها علم را می افزاید.

حکمت (۲۱) را تنها در کلام خدا می توان یافت. دل حکیم آنست که می داند چطور آن حکمت را در مقابل دیگران قرار دهد تا بتواند آن را مصرف کنند. دل او زبانش را کنترل می کند. شیرینی لبهای ایماندار در چاپلوسی و شیرین زبانی نیست، بلکه نشانه دریافت شیرینی است که شنونده آن بدست آورده. منظور آن است که حکمت کلام خدا را باید در رابطه با موقعیت موجود "باز/ تفسیر" (لوقا ۲۴: ۳۲) کرد و دخالتی که دارد را روشن نمود. کلام خدا زنده است، ولی تا زمانی که رابطه آن با زندگی روزانه آشکار نشود، چگونه می تواند میوه آورد. منظور از "علم" همین است. ایماندار می که مفهوم کلام را خود به درستی دریافت کرده، و علم "باز/ تفسیر" کردن آن را نیز بدست آورده، کسی است "عقل" و "عالم" و "فهم خوانده می شود".

۲۷: مرد دروغگو نزار می پاشد، و نمّ دوستان خالص را از همدیگر جدا می کند.

دروغ پنهان ساختن حقیقت است و حقیقت از آن خدا است. خدا با حقیقت کار دارد چون خود راستی و حیات است. هر گاه با دروغ روبرو شدید، بدانید شخصی احتیاج به کمک خدا دارد. او را متهم نکنید چون عیسی نیامد تا کسی را محکوم کند بلکه او را آزاد کند. باید دروغگو را یافت و جویای دلیل پنهان سازی او گردید. نگذارید گناهی که برای شما آشکار شده، از اهمیت لازم برخوردار نباشد و از آن به سادگی بگذرید. دوستان خالص یاران همیشگی یک دیگرند. مانند رابطه زناشویی می ماند که بر کلام خدا استوار است ولی دشمن دروغ را مانند زهری کشنده وارد صحنه کرده. حقیقت مستور شده، و ارتباط میانشان با خطر روبرو شده. ولی خبر خوش آنست که روح القدس غیرت دارد و قدرت خود را برای توبه و اعتراف و صلح و پیروزی به فراوانی اهدا می نماید. نگذارید دروغ به جریان طبیعی خود ادامه دهد. ما ایمانداران خوانده شدیم تا نور و نمک این جهان باشیم. سلطه شیطان را از طریق ترس از افشای حقیقت و استفاده نامشروع از آن بشکنید. مانند غده سرطانی است که بدن را در سلطه خود گرفته و تنها چاره بیرون راندن آن است.

## امثال ۱۷

۹: هر که گناهی را مستور کند طالب محبت می باشد، اما هر که امری را تکرار کند دوستان خالص را از هم جدا می سازد.

پنهان نگاه داشتن گناه کسی (بجای افشای آن) محبت او را نشان می دهد و اعتبار او را برای آینده استوار می سازد. دوستان خالص کسانی هستند که میتوانند در آینده بر یکدیگر حساب کنند. اعتباری را میان یکدیگر ایجاد کرده اند. دشمن است که می خواهد این رابطه را بشکند و با زیرکی می گوید درست نیست گناه را مستور کرد. البته منظورش این نیست که شما وارد مسئله او شوید و گناه را برایش تبدیل به برکت نمائید. دشمن میخواهد شما گناهش

را در میان همه رسوا نمائید. ولی شما گناه او را در دل مخفی نگاه دارید و هیچوقت او را متهم نکنید (تکرار کند)، بلکه در انتظار فرصتی که خدا برای رسیدگی به آن فراهم میسازد بمانید.

### امثال ۱۷

۱۴: ابتدای نزاع مثل رخنه کردن آب است، پس مخاصمه را ترک کن قبل از آنکه به مجادله برسد.

منظور آیه ۱۴ نقطه ایست که سدی شروع به شکستن می کند. با مرور زمان نقطه شکسته بزرگ گشته و نهایتاً اقیانوس را وارد جریان خواهد نمود. نزاع و مخاصمه (چه لفظی یا جسمی) همان گونه عمل می کنند. ترک کردن (قطع کردن سریع) راه صحیح مقابله با آن است (امثال ۱۵: ۱). البته بهتر آنکه اجازه ورود به نزاع و مخاصمه داده نشود. عیسی مسیح شاگردانش را صلح جوین نامید. باید ابتدا صلح در دل خود ریشه دواند تا بتوان آن را میان مردم رواج داد (یعقوب ۴: ۱). باید آنچه عیسی مسیح برای ما کرد را بیاد بیآوریم. در صلح و آشتی سرمایه گذاری کنید چون بهره بهتری را خواهید برد.

### امثال ۱۸

۲: احمق از فطانت مسرور نمی شود، مگر تا آنکه عقل خود را ظاهر سازد.

کسی که رفتار جد و غدی دارد (۲) تمایل به گوش دادن به صحبت دیگران و آموختن از آن ندارد. او تنها از سخن گفتن از خود مسرور می شود. راجع به هر موضوع نظر خود را دارد و نیازی به شنیدن نظر شما ندارد. آموزش پذیر نیست ولی فکر می کند بسیار دانا است. چنین شخصی لازم دارد به عظمت و قدرت خدا پی برده و محبت به خدا و همسایه خود را جانشین روحیه مخرب خود نماید. باید از بشارت شروع کرده و به محبت (agape) آگاہه رسید. شاید لازم باشد گروهی را برای دعا بخاطر چنین موضوعی بسیج کرد. او را تنها مگداید و از خدا بخواهید شما را هدایت کند تا بتوانید مسیح را به او معرفی نمائید.

۶: لبهای احمق به منازعه داخل می شود، و دهانش برای ضربها صدا می زند.

منازعه (۶) خواست شیطان است و نه خواست خدا. منازعه، بحث و جدال و نفاق و کشاکش را نیز در همراه دارد و به همین خاطر خدا نمی خواهد وارد آن شویم. نقشه شیطان است چون نمی خواهد ایمانداران یک دل و یک روح بشوند. به این خاطر سعی می کند استدلال حکیمانه شما را پایمال افکار پوچ و بی معنی بگرداند و تحمل خود را از دست داده و به "ضرب" زدن روی آورید. بله او میخواهد شما به او ضرب بزنید و گناه کنید. روح شریر "دهانش برای ضربها صدا می زند"، و خدا می خواهد هوشیار باشید و به موقع به حيله او پی ببرید. گول نقشه شیطان را نخورید.

۸: سخنان نمّام مثل لقمه های شیرین است، و به عمق شکم فرو می رود.

در آیه ۸ سلیمان راجع به کسانی که تهمت میزنند و افترا می گویند صحبت می کند. بر خلاف کسی که از خود سخن می گوید، او راجع به دیگران سخن می گوید. و مردم گوش می کنند. چرا؟ چون گناه خواهان مشارکت با خود است و از طریق شایعات و تهمت ها برای انسان غافل سرگرمی درست می کند. مخلوق خدا را بجان خود و جان یکدیگر می اندازد تا از آب گل آلود ماهی بگیرد. هیچ وقت راجع به شخصی که حضور ندارد سخن بد به زبان نیاورید. و اگر کسی راجع به او به شما سخن بد گفت، سخن او را قطع کنید و یا از حضور او خارج شوید. توجه داشته باشید که فرزند خدا برای محبت به خدا و همسایه خود خوانده شده و نه چیز دیگر.

۱۳: هر که سخنی را قبل از شنیدن جواب دهد برای وی حماقت و عار می باشد.

آیات ۱۳ و ۱۵ مربوط به شنیدن میباشند. آیه ۱۳ هشدار می دهد بدون شنیدن حرف تمام کسانی که در مورد خاص دخالت دارند نتیجه نگیریم. ممکن است دست رسی به تمام اطلاعات لازم طول بکشد ولی نگذارید موانع سر راه باعث ناامیدی، دست برداری، و یا نتیجه گیری اجولانه گردد. هر موردی اهمیت حیاتی خود را دارد. ولی موظب باشید چیزی که وجود نداشته را اختراع نکنید. اطلاعات حقایقی می باشند که قابل ثابت کردند. توجه نیز داشته باشید که ممکن است مسئله شخصی را شبیه مسئله شخص دیگر ببینید و هر دو را یکسان برآورد نمائید. ابتدا ممکن است بنظر شباهت زیادی وجود داشته باشد ولی پس از گذشت زمان خواهید دید که فرق دارند (هیچ دو نفری شبیه با هم نیستند). گناهانی که در کتاب مقدس ذکر شده زیربنای معدودی را دارند و بیشتر مسائل و مشکلات انسان بر آنها بنا شده، ولی هر شخصی طریق خاص انجام آن را آموخته و همان طریق خاص اوست که فرق را ایجاد می کند. از دخالت در این امور بپرهیزید. البته تحصیل و آموزش فن مشاوره مسیحی کمک زیادی خواهد کرد ولی نهایتاً زمانی خواهد رسید که باید حوله را به دور کمر بسته و پای برادر و خواهری را بشورید. بیم اشتباه کردن را نداشته باشید. یعقوب در کتابش می گوید هر گاه با آزمایشات گوناگون روبرو شدید کمال شادی بیانگارید، چون باعث رشد روحانی و ارزش خدمت شما خواهد بود.

۱۵: دل مرد فهیم معرفت را تحصیل می کند، و گوش حکیمان معرفت را می طلبد.

آیه ۱۵ می گوید اگر بخواهید کسی را کمک (یار) کنید باید اطلاعات لازم را بدست آورید. نگذارید اطلاعات بی فایده (فکر، نظر، احساس، عقاید شخصی) مغز شما را پر کرده از اصل موضوع دور شوید. اطلاعات واقعیت هایی هستند که می توان ثابت کرد، و نه آنچه بنظر می رسد و احساس می شود. در واقع اطلاعات لازم برای کمک به اشخاص معمولاً وسعت کمی را دارد. شکل و جوانب مختلفی که از خود نشان می دهد مسئله را مشکل و پیچیده می کند. برای همین است که در جمع آوری اطلاعات باید بردبار بود و صحت اطلاعات بدست آمده را ثابت نمود. هیچوقت نگذارید شخصی راجع به شخص دیگری بدون حضور وی اطلاعاتی را بشما بدهد. این شایعه پراکنی و گناه است. اگر بخواهد راجع به شخص دیگری با شما صحبت کند، باید زمانی باشد که او حضور دارد و می تواند از خود دفاع کند. ضمناً توجه داشته باشید که جمع آوری اطلاعات معمولاً از سه نفر شروع می شود. ابتدا از شخصی که با او صحبت می کنید، بعد شخص دیگر که در موضوع دخالت دارد، و سوم آنچه خدا در مورد آن گفته. باید حقیقت راجع به مسئله را از هر سه جانب بدست آورید تا بتوان محبت عیسی را بدرستی بجا آورید.

۲۱: موت و حیات در قدرت زبان است، و آنانی که آن را دوست می دارند میوه اش را خواهند خورد.

زبان ایماندار (۲۱) قدرت دارد و قدرت آن در کلام خدا است که به موقع بیان شود و شنونده را فیض بخشد. چنین سخنی با مطالعه آیات کلام خدا و شناخت رابطه آن با زمینه های مختلف زندگی ایجاد می گردد. خدا دو جانبه کار می کند (مانند شمشیر دودم)، یعنی به آنکه کلام را به موقع به زبان می آورد برکت می دهد و به آنکه برای آن گوش شنوا دارد ("آن را دوست می دارد"). هر یک وظیفه خود را در خصوص آن دارند. اگر شما کلام را به زبان می آورید، باید موضوع را به درستی سنجیده و کلام را آنگونه به زبان آورید که قابل فهم و مربوط به موضوع باشد. اگر شنونده آن هستید، باید اطمینان حاصل کنید که خوب درک کرده اید (اگر سؤالی دارید پپرسید) و آن را به مرحله عمل نیز بیآورید (اگر لازم است طریق عمل آن را جویا شوید).

## امثال ۲۰

۵: مشورت در دل انسان عمیق است، اما مرد فهیم آن را می‌کشد.

در این آیه اساس مشاوره مسیحی را میبینیم. مرد فهیم ارزش حکمت خدا را شناخته و از هر فرصتی برای بدست آوردن آن استفاده خواهد کرد. ولی وقت و کوشش کافی را لازم دارد تا بتواند به عمق مطلب دست رسی پیدا کند. مانند کشیدن آب (آب حیات) از درون چاه حکمت خداوند است. کلام خدا را بار دیگر با نیت استفاده در زندگی روزانه خود بخوانید. آنوقت از یک مورد آن شروع کرده و به آن عمل کنید. اگر لازم است نقشه اجرای آن را بکشید. اگر بار اول موفق نشدید عیب ندارد بلکه آزمایشی است برای اجرای بهتر نوبت بعدی. تا زمانی که آن را کاملاً اجرا نکرده اید دست بر ندارید. مانند دوچرخه سواری و اتوموبیل رانی است. آیا دست از آنها بر می‌دارید؟ خدا شما را یاری دهد.

## امثال ۲۰

۳: از نزاع دور شدن برای انسان عزت است. اما هر مرد احمق مجادله می‌کند.

پشت کردن بر نزاع نباید خجالت داشته باشد (۳). توانائی در جنگ و جدال ارزش کسی را بالا نمی‌برد. خدا می‌گوید احترام در رد کردن نزاع و دعوا است. عیسی مسیح جانش را فدای انسان گناه کار کرد تا انسان از چنگال دشمن آزاد شود. آنکه طرفدار نزاع و دعوا است راه دشمن را می‌پیماید. از او نترسید و دوری از او نیز نکنید، بلکه از خدا بخواهید شما را حکمت دهد و هدایت کند تا بتوانید عیسی مسیح را به او معرفی نمایید. او احتیاج به کمک دارد.

۶: بسا کسانند که هر یک احسان خویش را اعلام می‌کنند، اما مرد امین را کیست که پیدا کند.

آیه ۶ یکی از صفات رایج بی‌ایمانان را نام می‌برد. بیش از آنچه می‌توانند تحویل دهند رجز خوانی می‌کنند. نقشه و برنامه‌های زیادی می‌کشند ولی کمتر به مرحله اجرا می‌گذارند. این مورد بیشتر در روابط نزدیک صدق می‌کند به گونه‌ای که محبت خدا را تنها به زبان می‌آورند و به آن عمل نمی‌کنند. عیسی مسیح می‌گوید: "زیرا هر که خواست پدر مرا که در آسمان است به‌جای آورد، برادر و خواهر و مادر من است" (متی ۱۲: ۵۰). محبت عیسی مسیح با دادن آنچه در دست داریم آغاز می‌شود و سرمایه‌ای است که همیشه پر برکت خواهد بود. همچنین در کلام می‌خوانیم: "از هر لحاظ به شما نشان داده‌ام که باید چنین سخت کار کنیم تا بتوانیم ضعیفان را دستگیری نمایم، و سخنان خود خداوند عیسی را به‌یاد داشته باشیم که فرمود: "دادن از گرفتن فرخنده‌تر است" (اعمال ۲۰: ۳۵).

۱۵: طلا هست و لعلها بسیار، اما لبهای معرفت جواهر گرانبها است.

سلیمان در آیه ۱۵ ارزش حکمت را آشکار کرده. در دنیا ارزش همه چیزی را پول بنا کرده، اما خدا ارزش کلام حکمت را با اثری که بر جان انسان گذاشته آشکار نمود. طلا و پول این دنیا همه در دست سرمایه‌گذاران و تاجران انباشته شده و فقر مالی زندگی انسان را به تاریکی کشانده. ولی شما مگذارید کمبود مالی مانع خدمت شما به عیسی مسیح گردد. انتظار نداشته باشید همان اهمیت و ارزشی که خدا برای شما (و خدمت شما) دارد دنیا نیز داشته باشد. عیسی می‌گوید "بلکه گنج خود را در آسمان بیندوزید، آنجا که بید و زنگ زیان نمی‌رساند و دزدان نَقَب نمی‌زنند و سرقت نمی‌کنند. زیرا هر جا گنج توست، دل تو نیز آنجا خواهد بود" (متی ۶: ۲۰ و ۲۱). ما ایمانداران تنها برای خدا زنده ایم و برای پیشبرد مقاصد او زندگی می‌کنیم. او روزی ما را می‌دهد، و غیر ممکن است از کس دیگری آن را قبول کنیم. خدا جای بهتری از این دنیا برای ما فراهم ساخته، ولی تا روزی که او بخواهد در این دنیای خدمت خواهیم کرد. امید زنده خدا را هیچوقت از دست ندهید.

## امثال ۲۱

۲: هر راه انسان در نظر خودش راست است. اما خداوند دلها را می آزمايد.

آیه ۲ مانند امثال ۱۶: ۲، اشخاصی را معرفی می کند که همیشه بهانه تراشی می کنند و به خود اطمینان زیادی دارند. تنها معیار دقیقی که برای انسان وجود دارد تا زندگی خود را به درستی بتواند بسنجد کلام خدا است. خدا دل را می سنجد و نه آنچه به ظاهر دیده می شود. ممکن است ظاهراً همه چیز مطابق با کلام بوده باشد، ولی خدا به دل نگاه می کند و آن است که می خواهد مانند عیسی مسیح گردد. البته مشاوران مسیحی کاری با دل ایماندار ندارند و جرعت آن را نیز به خود راه نخواهند داد. ولی در صورتی که با بهانه تراشی و رضایت (بی مورد) از خود مواجه شدند نسبت به پیش داوری و برداشت های غلط هشدار خواهند داد. ایماندار با محبت خدا زندگی می کند (اول قرنیتان ۱۳)، و اجازه نخواهد داد روح غد و لج باز، قدوسیت او را پایمال سازد.

۲۹: مرد شریر روی خود را بی حیا می سازد. و مرد راست، طریق خویش را مستحکم می کند.

در آیه ۲۹ دو نفر را میبینیم که هر دو پایبند طریق زندگی خود می باشند. ولی آنکه به طریق این دنیا زندگی می کند شرارت را بار می آورد و هر روز به ضعف های خود می افزاید و آنکه با محبت خدا زندگی می کند نیکی را بار آورده و هر روز در طریق خود مستحکم می شود. خدا انسان را آفرید و نتیجتاً بهتر می داند برای او چه خوب است و چه خوب نیست. مشکل اینجا است که بعضی حاضر نیستند فرصت را به خدا بدهند تا راه بهتر را برایشان نشان دهد. فرصت را برای آموختن راه های مختلف زندگی این دنیا دارند، ولی فرصتی را به خدا نمی دهند. و از این رو ناکام می مانند و از مهمترین موضوع زندگی قافل می شوند. محبتی که خدا برای آنها دارد را افشا کنید. از آن محبتی که به آن آشنا می باشند شروع کنید و به محبت خدا (آگاهی) برسید. هیچ مشکلی برای خدا و روح القدس وجود ندارد. با محبت شروع کنید و به نتیجه خواهید رسید.

## امثال ۲۱

۱۹: در زمین بایر ساکن بودن بهتر است از بودن با زن ستیزه گر و جنگجوی.

موضوع آیه ۱۹ مانند آیه ۹ می باشد. بهتر است تنها و ناکام بماند، تا همیشه متحمل زن ستیزه گر و جنگجوی شد. اما اشکال تنها در زن نیست بلکه اشکال شوهر نیز به این وسیله آشکار شده است. در زندگی زناشویی مسیحی، شوهر مسئول ایجاد محبت است و نه زن. اول یوحنا ۴: ۱۹ می فرماید: "ما محبت می کنیم زیرا او نخست ما را محبت کرد". از شوهر خواسته شده آنگونه زن خود را محبت کند که عیسی برای کلیسایش کرد و جانش را برای آن فدا نمود. خانه مسیحی شکل کلیسا را دارد و شوهر سر آن است. مطالعه مشترک و روزانه کلام خدا، باعث آشکار شدن زیر بنای مسائل و مشکلات زن و شوهر خواهد شد، و حکمت آن با یاری روح القدس روح ستیزه گر و جنگجوی را از میان خواهد برد. با شناخت کلام و اجرای آن در زندگی زناشویی خود سرمایه گذاری نیکو خواهید نمود. اساس خوشبختی در زندگی زناشویی مطالعه روزانه کلام خدا است. مسائل و مشکلات برای همه پیش می آید، ولی چه بهتر که خدا از طریق کلامش وارد آن ها شده و هر یک را تبدیل به برکت کند، تا آنکه به طریق این دنیا آنها را نادیده گرفت و تبدیل به لعنت گردند.



۹: دعوی خود را با همسایه ات بکن، اما راز دیگری را فاش مساز،

رازداری (۹) از صفات برجسته مسیحیان است. معمولاً در دعوی هر صلاحی که در دست باشد مورد استفاده قرار می گیرد. راز مردم نیز از نوع صلاح های پنهانی است که نوید پیروزی در نزاع را می دهد. صلاح دشمن است. راز را نباید در دست دشمن گذاشت. کسی که راز خود را به شخص مسیحی می سپارد، در واقع اعتبار شرم و حیسیّت خود را به او سپرده و خدا بگونه نیکو (و در وقت خود) از آن استفاده خواهد کرد. دشمن است که می خواهد آنرا بر عموم مردم افشا کنید (در وقت خلاف)، تا اعتبار شما را پایمال کند.

۱۱: سخنی که در محلش گفته شود، مثل سیبهای طلا در مرصعکاری نقره است.

در آیه ۱۱ راجع به اهمیتی که زمان و مکان، در سخن گفتن دارند بازگو شده است. موضوع آنچه به سخن آورده می شود تنها دارای اهمیت نیست بلکه زمانی که گفته می شود نیز اهمیت دارد. سخنی که به موقع و در محیط مناسب گفته شود مثل سیب طلائی است که در ظرف نقره جلوه یافته به شما تقدیم میگردد. منظور این است که زبان ما برای برکت رساندن به مردم به کار برده شود. آنچه خدا از وجود خود بر شما افشا کرده بیش از هر چیزی در این دنیا ارزش دارد. مهم دانش بیشتر نیست (هر چند ارزش و مسئولیت بیشتری را دارد)، بلکه استفاده از آنچه خدا تا بحال خدا به شما داده می باشد. اگر آن را بکار بگیرید، فرزند و خادم امینی خواهید بود.

۱۲: مؤدب حکیم برای گوش شنوا، مثل حلقه طلا و زیور زر خالص است.

تأدیب (۱۲) حکیمانه (مطابقت با کلا خدا) را نباید بد شمرد، هر چند که ممکن است ابتدا به کام شیرین نیاید. دردی است مفید (دوم قرنثیان ۷: ۱۰)، که ایماندار را برای مقاصد خدا آماده میسازد. اما گوش شنوا را نیز نباید دست کم گرفت. اگر شخصی راقب به گوش دادن و درک کردن سخن حکیمانه نیست، فایده سخن با او از میان رفته و وقت تلف خواهد شد. تأدیب حکیمانه نیاز به زمینه سازی دارد تا مؤثر و مفید واقع شود. باید ابتدا آن شخص حقیقت را با چشم دل خود ببیند تا روح توبه را بپذیرد. تنها با باز شدن چشم دلش به حقیقت است که روح القدس میتواند او را مجاب کرده تا توبه را به میان آورد و لزوم آنرا نیز قبول کند. مهم تنها تأسف نیست، بلکه روح توبه است که او را بردبار می سازد تا تغییری که مطابق با کلام خدا است را به ارمغان آورد.

۱۵: با تحمل داور را به رأی خود توان آورد، و زبان ملایم، استخوان را می شکند.

در آیه ۱۵ می بینیم که انسان توانائی مهار کردن خشم خود را دارد، و فایده آنرا نیز نشان می دهد. استدلال کلام خدا را همه نمی توانند فوراً بپذیرند. احتیاج به زمان دارند تا بقدر کافی فکر و اندیشه لازم را صرف کنند تا به درک حکمت آن نائل گردند. ابتدا احتیاج به تحمل دارد تا احساسات برانگیخته شده آرام گردد و توانائی فکر و اندیشه او دوباره بجای خود بازگردد. شیطان ممکن است ابزار جنگی زیادی را داشته باشد، ولی طاقت و تحملش کم است و اگر ایماندار صبر و تحمل را به کوشش و پایداری خود اضافه نماید، خواهد دید که جنگ افزار خدا قویتر است. جواب ملایم را روح القدس می دهد، و قدرتی که دارد بی انتها است ("استخوان را می شکند"). زبان ملایم قدرت عظیمی را در برابر زبان بلند و تحدید آمیز دارد، ولی در صورتی که با حکمت مورد استفاده قرار بگیرد. در بعضی موارد زبان ملایم تحریک آمیز نیز می گردد و در چنین موقعی بهتر است سکوت را اختیار کرده و تحمل را بجای آورد.

## امثال ۲۷

۱۵: چکیدن دائمی آب در روز باران، و زن ستیزه جو مشابه اند.

در این آیه خداوند مسئله ستیزه جویی زن را در زندگی زناشویی آشکار کرده. از دیدگاه ایماندار به مسیح، روح ستیزجویی نشانه مسئله ایست که پشت صحنه در کار است و به این شکل نیاز کمک خود را آشکار نموده. کار به جایی رسیده که زن بی چاره دست به ستیزه جویی زده. نگذارید مسئله تا این حد رشد کند. جویای مسائل و مشکلات روز باشید (نان روزانه شما در این ها نیز هست). عیسی مسیح گفت مشکلات روز برای همان روز کافی است. شوهر باید پیش قدم شود و مسئله را از آغاز تا به حل آن دنبال کند. این نوع محبتی است که خدا از شوهران انتظار دارد. در زندگی زناشویی مسیحی، محبت از شوهر آغاز می شود. او تا به حد دادن جان خود، محبت را در زن و خانواده خود سرمایه گذاری می کند. اما نه بخاطر بازپس گرفتن محبت، بلکه بخاطر اطاعت از خدا. حساب ما ایمانداران با خدا است و نه با کس دیگر.

## امثال ۲۹

۲۰: آیا کسی را می بینی که در سخن گفتن عجول است، امید بر احمق زیاده است از امید بر او.

کسی که در سخن گفتن عجول است کنترل خود را در موقعیت موجود از دست داده. ولی چه بهتر که فرصت سخن گفتن را از دست بدهد تا عجولانه آن را بیان کند. کلامی که از دهان ایماندار خارج می شود باید "به تمامی برای بنای دیگران به کار آید و نیازی را برآورده، شنوندگان را فیض رساند" (افسیان ۴: ۲۹). خدا ما را سفیران (نماینده) خود معرفی کرده و در نتیجه باید کنترل زبان خود را در دست داشته باشیم. البته منظور آن نیست که همیشه خطبه خوانی و حکمت سرائی کنیم. بعضی مواقع محبت لازم می دارد در صحبت دیگران مشارکت کنیم تا خدا رابطه دوستی ما را ایجاد و تحکیم کند. ولی موضوع اینجا است که در انتهای روز برآورد خوبی از آنچه به زبان آورده ایم بنمائیم.

## امثال ۲۹

۱۱: احمق تمامی خشم خود را ظاهر می سازد، اما مرد حکیم به تأخیر آن را فرو می نشاند.

آنانی که با طریق مشورت فروید (Freud) آشنا هستند می دانند که او پیشنهاد کرده همه آنچه در دل انباشته شده را خارج نمود (کاملاً عکس کلام خدا). در غلاطیان ۵: ۲۲ و ۲۳ میوه روح القدس را می بینیم که شامل خوشتنداری است و هیچ قدرتی مخالف با آن نیست. البته بی تفاوتی ایماندار نسبت به گناه نیز صحیح نمی باشد و از این رو است که کلام خدا فرقی را با اشاره به "تمامی خشم" نمودار ساخته است. خشمی که در کنترل کامل ایماندار است و بمنظور هدایت به جانب توبه صرف شود سودمند واقع می شود. ولی توجه داشته باشید که خشم احساسی است مخرب و تنها زمانی که کاملاً در کنترل شما هست از آن استفاده نمائید.